



عهد و گفتگو

COVENANT & CONVERSATION



درس های پیرامون اخلاق
ربای لرد جانانان ساکس



با سپاس از بنیاد Wohl Legacy برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

The Economics of Liberty: Behar

اقتصادیات آزادی: بحار

برجسته ترین کتاب پرفروش سال ۲۰۱۴ اثر اقتصاددان فرانسوی توماس پیکتی بود به نام سرمایه در قرن بیست و یکم^۱ - کتاب فشرده هفتصد صفحه ای به صورت رساله ای در مورد یک نظریه اقتصادی با پشتوانه ای قطور از پژوهش و نه یک نوشته معمولی با موفقیت زودگذر.

بیشتر موفقیت این کتاب مدیون روشی بود که با آن پدیده های مربوط به بازپزدازش جوامع دنیا را مستند ساخته بود. امروز در اقتصاد جهانی، نابرابری ها سربه فلک می زنند. در ایالات متحده آمریکا بین ۱۹۷۹ و ۲۰۱۳ یک درصد بالایی جامعه شاهد رشد درآمدی بیش

¹ Thomas Picketty, *Capital in the Twenty-First Century*, translation: Arthur Goldhammer, Belknap Press of Harvard University Press, 2014.

از ۲۴۰٪ درصد بود، در حالی که پنج درصد پایینی تنها ۱۰٪ رشد را تجربه کرد.^۲ تکان دهنده تر این که اختلاف درآمد سرمایه از دارایی هایی چون خانه، سهام و باند که یک درصد بالایی جامعه رشد ۳۰٪ در آن را تجربه کرده، و یک پنجم پایینی سقوطی ۶۰٪ را شاهد بوده است. به بیان گلوبال ثروت ۸۵ نفر ثروتمندترین افراد دنیا برابر است با کل درآمد ۳/۵ بیلیون فقیرترین ها یعنی نیمی از جمعیت دنیا.

خدمت پیکتی در نشان دادن علت این وضعیت بود. او استدلال کرد که اقتصاد بازار-محور تمایل دارد که در آن واحد هم ما را با هم مساوی تر و نابرابرتر کند: مساوی تر چون بیش از گذشته تحصیل، دانش و مهارت های حرفه ای را رواج می دهد، اما نابرابرتر چون پس از مدتی به ویژه در اقتصادهای جاافتاده نرخ سود سرمایه بر نرخ رشد درآمد پیشی می گیرد. آنهایی که صاحب دارایی هستند، سریعتر از آنهایی که فقط به درآمد کار خود متکی هستند، ثروتمند می شوند. افزایش نابرابری از دید پیکتی "بالقوه تهدیدی است برای جوامع دمکراتیک و برای ارزش های عدالت اجتماعی که این جوامع بر آنها بنا شده اند."

این فصل آخر داستانی بسیار قدیمی است. آیزایا برلین این نکته را بیان کرد که همه ارزش ها در کنار یکدیگر نمی توانند وجود داشته باشند: این در مورد آزادی و مساوات صدق می کند.^۳ یکی از آنها را می توانی داشته باشی و نه هر دو را؛ هر چه آزادی اقتصادی بیشتر باشد، مساوات کمتر است و هر چه مساوات بیشتر باشد، آزادی اقتصادی کمتر است. این جدال کلیدی دوران جنگ سرد میان سرمایه داری و کمونیسم بود. کمونیسم در این جدال شکست خورد. در دهه هشتاد در دوران رونالد رایگان در آمریکا و مارگارت تاچر در

^۲ <http://www.theatlantic.com/business/archive/2012/12/a-giant-statistical-round-up-of-the-income-inequality-crisis-in-16-charts/266074>.

^۳ Isaiah Berlin, 'Two concepts of liberty,' in *Four Essays on Liberty*, Oxford University Press, 1969.

انگلستان بازارها آزاد شدند و در پایان آن دهه اتحاد شوروی فروپاشید. اما آزادی اقتصادی بی حد نارایتی های خاص خود را می آفریند و کتاب پیکتی یکی از چند نشانه هشدار است.

همه آنها قانون گذاری های اجتماعی پاراشای بحار را به متنی برای دوران ما تبدیل می کند، زیرا توراه عمیقاً نه فقط به اقتصاد اهمیت می دهد، بلکه امور اخلاقی و انسانی را زیربنایی تر می داند. ما به دنبال چگونه اجتماعی هستیم؟ چه نوع نظم اجتماعی برای کرامت انسان و رشته های ظریفی که ما را به یکدیگر و خدا پیوند می دهد، مناسبتر است؟

آنچه یهودیت را متمایز می کند، تعهد آن هم به آزادی و هم مساوات است، و این که همزمان، تنش میان آنها را درک می کند. باب های آغازین سفر پیدایش، پیامدهای موهبت الهی آزادی فردی انسان را نشان می دهند. اما از آنجا که ما جانورانی اجتماعی هستیم، نیاز به آزادی جمعی داریم. اهمیت باب های آغازین سفر خروج در مورد مصر همچون نمونه از جامعه ای که مردم را از آزادی محروم می کند و به بردگی می گیرد تا همه را زیر سلطه چند نفر دریاورد، از همین جا برمی خیزد. توراه بارها توضیح قوانین خود را همچون راه هایی برای حفاظت از آزادی و به یاد آوردن وضعیت فقدان آزادی در مصر شرح می دهد.

توراه همچنین متعهد است به کرامت مساوی انسان ها که به شباهت با خدا آفریده شده اند و زیر سروری او هستند. آن خواست مساوات در دوران توراتی تحقق کامل نیافت. در اسرائیل دوران توراتی، سلسله مراتب قدرت وجود داشت. همه کس نمی توانست پادشاه شود؛ هر کسی کوهن معبد نمی شد. اما یهودیت هیچ نظام طبقاتی را به رسمیت نمی شناخت. در یهودیت هیچ دیدگاهی مشابه افلاطون وجود ندارد که جامعه را به انسان های

طلایی، نقره ای و مسی تقسیم می کرد. یا ارسطو که معتقد بود برخی دنیا آمده اند برای حکومت کردن و برخی برای حکومت شدن. در میان جماعت عهد با خدا که توراه را پیروی می کنیم، همگی فرزندان خدا و در چشم او ارزشمند هستیم، هر یک با مشارکت خاص خود به خیر همگانی.

بصیرت اساسی پاراشای بحار دقیقا همان چیزی است که پیکتی بیان کرده: این که نابرابری های اقتصادی در طول زمان گرایش دارند به افزایش، و نتیجه می تواند از دست رفتن آزادی باشد. مردم ممکن است به خاطر بدهکاری به بردگی گرفته شوند. در دوران توراتی این کار ممکن بود از طریق فروختن خود به بردگی به عنوان تنها راه یافتن غذا و سرپناه انجام شود. خانواده ها مجبور به فروش زمین خود می شدند که میراث خانوادگی آنها از دوران موسی بود. نتیجه جامعه ای بود که در آن در طول زمان عده کمی به زمینداران عمده تبدیل و عده زیادی بی زمین و فقیر می شدند.

راه حل توراه در بحار بازسازی دوره ای آزادی های اساسی مردم است. هر هفت سال بدهی ها باید ملغی می شدند و یهودیانی که به بردگی نزد یهودیان رفته بودند، باید آزاد می شدند. پس از هفت دوره هفت ساله، سال یوول فرامی رسید که به جز چند مورد استثنا زمین آباء و اجدادی به صاحبان اصلی اش می رسید. بر روی ناقوس آزادی در فیلادلفیا کلمات دستور سال یوول در توراه با ترجمه شاه جیمز حک شده اند:

آزادی را در سراسر سرزمین به ساکنان آن اعلام کن". (لاویان ۲۵:۱۰)

این دوراندیشی چنان تا امروز معتبر مانده که سال ۲۰۰۰ که بدهی های کشورهای درحال توسعه بخشیده شد، *Jubilee 2000* یا یوول ۲۰۰۰ نامیده شد که اشاره ای مستقیم به اصل بیان شده در پاراشای هفته ما داشت.

سه نکته مهم درباره برنامه اقتصادی توره وجود دارد.

نخست، این برنامه بیشتر به آزادی توجه دارد تا تمرکز بر مساوات اقتصادی. از دست دادن زمین و بالا آوردن بدهی محدودیت های واقعی بر آزادی هستند.⁴ ایده استقلال در فهم یهودی ابعاد اخلاقی اقتصاد نقش مهمی دارد. به قول میکای نبی (۴:۴)، "هر فرد زیر درخت انگور و انجیز خودش". ما در دعای برکت پس از غذا می گوئیم: "ما را محتاج هدیه ها یا وام های دیگران نکن... تا مبادا شرمزده و تحقیر شویم". از دست دادن استقلال و اجبار به وابستگی به کمک های خیریه دیگران عمیقاً تحقیرکننده است. از این رو مقرارت بحار نه متوجه مساوات، بلکه متمرکز است بر بازسازی توانایی مردم در تامین معاش خود همچون افرادی مستقل.

سپس این که این قوانین، کل نظام را از دست انسان های قانونگذار بیرون می آورد، زیرا زمین متعلق به خدا است:

"چون زمین از آن من است، هیچ زمینی نباید برای همیشه فروخته شود. از نظر من شما بیگانگان و ساکنان غریبه ای هستید." (لاویان ۲۵:۲۳)

دوم، همین امر برای مردم صادق است:

"چون بنی اسرائیل خدمتگزاران من هستند که آنها را از مصر خارج نمودم، نباید به بردگی فروخته شوند." (لاویان ۲۵:۴۲)

یعنی آزادی فردی و اقتصادی را نمی توان مورد معامله سیاسی انسان ها قرار داد. اینها حقوقی هستند از سوی خدا که غیرقابل تصرف می باشند. جان اف کندی در سخنرانی

⁴ This is the argument set out by Nobel Prize-winning economist Amartya Sen in his book, *Development as Freedom*, Oxford Paperbacks, 2001.

آغاز ریاست جمهوری خود در سال ۱۹۶۱ به همین امر اشاره دارد، وقتی می گوید "باورهای انقلابی که پیشینیان ما برای آن جنگیدند"، یعنی "این باور که حقوق انسان نه ناشی از سخاوت دولت، بلکه برخاسته از اراده خدا هستند."

سوم، قوانین بحار به ما می گویند که اصول اقتصاد باید بر پایه اخلاق بنا شوند و باقی بمانند. آنچه برای تورات مهم است نه فقط امور فنی مانند نرخ رشد و استانداردهای مطلق ثروت، بلکه کیفیت و بافت مناسبات می باشد: حفظ استقلال و حس حرمت مردم از راه هایی که سیستم به مردم امکان برخاستن از فقر و بدبیاری را بدهد تا اعضای جامعه بتوانند تحقق این وعده را ببینند: "وقتی که نان زحمت دست هایت را می خوری، شادمان خواهی بود و برای تو خوب خواهد بود." (مزامیر ۲: ۱۲۸)

یهودیان در هیچ قلمرو فکری دیگری تا این حد دست بالا را نداشته اند. یهودیان ۴۱٪ جوایز نوبل اقتصاد را برنده شده اند.^۵ آنها برخی از مهمترین ایده های این رشته را گسترش دادند: دیوید ریکاردو با نظریه امتیاز مقایسه ای؛ جان فون نویمان با نظریه بازی ها (که یکی از نظریه پردازان آن پروفیسور رابرت اومان، جایزه نوبل را دریافت کرد)، میلتون فریدمن با نظریه پول؛ گری بکر با بسط نظریه اقتصادی به امور خانواده؛ دنیل کاهمن و آموس تورسکی با نظریه اقتصاد رفتاری، و بسیاری دیگر. نه همیشه، اما اغلب، بعد اخلاقی در کارهای آنها قابل تشخیص است.

این که یهودیان مایل به خلق سیستم هایی - بر روی زمین و نه آسمان ها و پس از مرگ - بوده اند که بیشترین آزادی و خلاقیت را به انسان ها بدهد، بسیار تاثیرگذار و حتی روحانی

⁵ See the Jewish Virtual Library's list of Jewish Nobel laureates:
<http://www.jewishvirtuallibrary.org/jsource/Judaism/nobels.html>

است. پایه های آن در پاراشای این هفته ما ریخته شده اند که واژه های باستانی آن هنوز
الهام بخش هستند.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org



@RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved